

نویسنده: پیپ ایسکوبار «Pepe Escobar» .
منبع و تاریخ نشر: گلوبال ریسرچ «2022-05-06»
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

وحشت و دهشت از بلوچستان : ابزار تهدید آمیز بمنظور برهم زدن روابط اقتصادی چین و پاکستان؟

*Terror from Balochistan: A Menacing Tool to
Disrupt China-Pakistan Economic Relations?*



یک بمب گذاری انتحاری بلوچ که کارگران **چینی** را در کراچی هدف قرار می دهد، تنها یک ماه پس از برکناری نخست وزیر عمران خان که با حمایت ایالات متحده صورت می گیرد. پاکستان یک مرکز مهم BRI (یک جاده ویک کمربند) در پروژه گسترده اتصال **اوراسیا پکن** است و به نظرمی رسد CPEC « دهلیز اقتصادی چین پاکستان» هدف نهایی این اختلال است .

این داستان مختصر از این قرار است که چگونه یک بمب گذاری انتحاری ممکن است

پتا نسیل واژگونی کل روند پیچیده و مداوم ادغام اوراسیا را داشته باشد. اخیراً، جنبش آزادی بخش بلوچستان (BLA) ویدیویی تحت تأثیر داعش منتشر کرده است که در آن «مقامات و تاسیسات چینی» در استان پهناور پاکستان را تهدید کرده است.

با این حال، آنچه در اواخر آوریل اتفاق افتاد، یک بمب گذاری انتحاری در خارج از مؤسسه کنفوسیوس دانشگاه کراچی - نه بلوچستان - و هدف قرار دادن معلمان چینی بود، نه «مقامات و تاسیسات آن محل».

«عامل انتحاری زنی به نام شعاری بلوچ با نام مستعار پرمش بود که جلیقه خود را درست زمانی که ون حامل کارکنان موسسه به ورودی نزدیک می شد منفجر کرد. مسئولیت این حمله را تیپ مجید BLA بر عهده گرفت و تأکید کرد که این اولین بار است که آنها از یک بمب گذار انتحاری زن استفاده می کنند».

شعاری بلوچ یک معلم مدرسه با مدرک جانورشناسی بود که برای ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد ثبت نام کرد، با یک داکتر دندان و استاد دانشکده پزشکی مکران در زادگاهش تربیت در جنوب بلوچستان ازدواج کرد. سه برادر او شامل یک پزشک، معاون مدیر در یک پروژه با بودجه دولتی و یک کارمند دولتی هستند.

بنابراین شعاری بلوچ به دور از آن بود که یک سلفی-جهادی تلقین شده آنلاین باشد. وزارت امور خارجه پاکستان با دید بر این نکته واضح تأکید می کرد: این یک "حمله مستقیم به دوستی پاکستان و چین و همکاری مداوم" بود که همیشه از سوی هر دو طرف به عنوان "برادران آهنین" شناخته می شد. پاکستان یک گره کاملاً کلیدی ابتکار کمربند و جاده چین (BRI) برای اتصال خشکی اوراسیا است.

این یک حمله تروریستی استاندارد نبود. بنین آن بسیار زیاد است - نه تنها در یکی از ایالات های پاکستان و جنوب آسیا در منطقه، بلکه برای کل اوراسیا. ممکن است منادی تلاطم جدی پیش رو باشد.

عمل استیصال شعاری بلوچ را با دید ابتدا تجسم یک بیگانگی عمیق بلوچ دانست که طبقات متوسط تحصیل کرده، از وکلا و تاجر گرفته تا دانشجویان، دائماً در روابط پیچیده با اسلام آباد دور نفوذ می کند. بخش مهمی از معما این است که 26 آژانس اطلاعاتی پاکستان هرگز آن را ندیدند.

رهبران بلوچ فوراً به این نکته اشاره کردند که بهترین واکنش ممکن فراخوانی یک جرگه بزرگ - بر اساس الگوی جرگه شاهی که در زمان تقسیم شبه قاره انجام می شد - خواهد بود که همه بزرگان قبایل را برای رسیدگی به شدیدترین نارضایتی های محلی متحد کند.

مظنونین معمولی را جمع کنید

بلوچستان، از نظر ژئواستراتژیک، به اندازه مواد معدنی کمیاب خاکی ارزشمند است: یک صحرای عظیم در شرق ایران، جنوب افغانستان، و دارای سه بندر دریای عرب، از جمله گوادر، عملاً در دهانه تنگه استراتژیک هرمز.

بلوچستان که نزدیک به 48 درصد از مساحت پاکستان را شامل می شود، غنی از

اورانیوم و مس است، به طور بالقوه غنی از نفت است، بیش از یک سوم گاز طبیعی پاکستان را تولید می‌کند و جمعیت کمی دارد. بلوچ‌ها اکثریت جمعیت را تشکیل می‌دهند و پس از آن پشتون‌ها قرار دارند. کوئته، مرکز بزرگ استان، برای سال‌ها توسط پنتاگون مرکز طالبان محسوب می‌شد.

گوادر، بندری که **چین** در ساحل جنوب غربی بلوچستان در دریای عرب ساخته است - مستقیماً رویه روی **عمان** - گره اصلی کریدور اقتصادی چین و پاکستان (CPEC) است و به عنوان حلقه اصلی در یک خط لوله بی‌پایان دو برابر می‌شود. حماسه خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند (IPI) که قبلاً به عنوان «خط لوله صلح» شناخته می‌شد، با برنامه‌هایی برای عبور از بلوچستان ایران به پاکستان (هند هنوز تصمیم خود را نگرفته است) از زمان **جرج دلبیو بوش** برای واشنگتن یک تنفر مطلق است.

دوران بوش CPEC حتی در داخل پاکستان نیز منبع بی‌پایان بحث و جدل است. فراتر از تمام ارتباطات برنامه ریزی شده بین گوادر و سین کیانگ تا سال 2030، بیشتر این کریدور اتصال بلندپروازانه با انرژی، مناطق صنعتی و پروژه های جاده ای و ریلی در بخش های مختلف کشور سر و کار دارد - بهبود کلی زیرساخت های عقب افتاده آن. چینی‌ها سال‌ها به طعنه گفته‌اند که در واقع «تمام پاکستان یک راهرو است».

«سازمان امنیتی ایالات متحده، به طور قابل پیش بینی، سال‌ها در حال برنامه ریزی برای ابزاری برای شورش در بلوچستان بوده است تا - چه چیز دیگری - ابتدا امکان خط لوله انرژی از گوادر به سین کیانگ و سپس پروژه کلی CPEC را "اختلال" کند. مژنونین معمولی مانند بنیاد ملی ایالات متحده برای دموکراسی (NED) در بلوچستان بسیار حضور دارند. **ویکی لیکس** در سال 2015 حجم زیادی از این بازی را فاش کرده بود.

یک گزارش مؤسسه **کارنگی** اشاره می‌کند که «بسیاری از رهبران ملی‌گرای بلوچ اکنون از مناطق شهری کچ، پنجگور، و گوادر (و تا حدی کمتر از کوئته، خردار، تربت، خاران و لاسبلا) آمده‌اند. آنها به خوبی به کراچی و شهرهای خلیج متصل هستند، جایی که ساختارهای قبیله ای وجود ندارد. در واقع، در حالی که خشونت در سراسر استان وجود دارد، به نظر می‌رسد که شورش عمدتاً در این مناطق شهری متمرکز شده است».

«بمب گذار انتحاری شعاری بلوچ از تربت، دومین شهر بزرگ استان، جایی که BLA بسیار فعال است، آمده است. از نظر مژنونین معمولی، اینها دارایی‌های منتخب هستند، به ویژه پس از مرگ رهبران قبیله ای مهم مانند **اکبر بوگتی**. در این گزارش به درستی اشاره شد که چگونه «جوانان بلوچ تحصیل کرده و طبقه متوسط در خط مقدم» شورش قرار دارند.

ابزار **ضد چینی BLA** همچنین با عملیات پارلمان تغییر رژیم در اسلام آباد که اخیراً **عمران خان** نخست وزیر سابق را که همیشه دشمن سرسخت «جنگ ابدی» آمریکا در افغانستان بود، سرنگون کرد. **خان** قاطعانه استفاده پاکستان در عملیات‌های نظامی آمریکا را رد کرد: این یکی از دلایل کلیدی برای برکناری او بود.

اکنون، با وجود یک رژیم جدید منعطف، مورد تایید واشنگتن و در شهر، معجزه ای

اتفاق افتاده است: پنتاگون در آستانه امضای یک توافق رسمی با اسلام آباد برای استفاده از حریم هوایی پاکستان برای - چه چیز دیگری - مداخله در افغانستان است . **پکن** و همچنین سایر اعضای سازمان همکاری شانگهای (SCO) خوشحال نخواهند شد. تنها چند هفته قبل از کودتای سفید، **خان** با رئیس جمهور **چین شی جین پینگ** ملاقات کرده بود و بار دیگر تأکید کرد که پاکستان و چین "برادران آهنین" هستند .

عمران خان یک خار جدی در چشم غرب بود، زیرا او مدام بر پاکستانی‌ها تأکید می‌کرد که جنگ همیشه در افغانستان از نظر نظامی غیرقابل پیروزی است. او می‌دانست که چگونه تمام نیروهای نیابتی - از جمله - BLA که افغانستان و پاکستان را برای چندین دهه بی‌ثبات کرده‌اند، بخشی از عملیات مخفی ایالات متحده بوده و هستند .

توطئه ایران و هند نیست

بلوچستان به اندازه مناطق قبایلی پشتون عمیقاً قبیله ای است. رؤسای قبایل محلی می‌توانند به همان اندازه محافظه کار باشند که اسلام آباد غفلت می‌کند (و دقیقاً از حقوق بشر نیز نیستند). اگرچه اکثر قبایل در برابر اقتدار اسلام آباد سر تعظیم فرود می‌آورند - به جز، قبل از هر چیز، **بوگتی‌ها** .

و سپس ارتش آزادیبخش بلوچستان (BLA) است که هم واشنگتن و هم لندن از آن به عنوان یک گروه تروریستی یاد می‌کردند و سپس آن را فراموش کردند. BLA سال‌ها در خارج از قندهار در افغانستان (فقط دو ساعت با کوئته فاصله داشت) فعالیت می‌کرد و در دهه گذشته - همزمان با اعلام راه‌های ابریشم جدید و - CPEC تأکید کرد که آماده حمله به غیر بلوچ‌ها است (کد) برای دولت اسلام آباد و همچنین خارجی‌های چینی (بلوچ‌ها تمایل دارند BLA را یک گروه مقاومت در نظر بگیرند. اما اسلام آباد همیشه آن را رد کرده و گفته است که حمایت آنها از 10 درصد جمعیت استان بیشتر نیست .

سال‌هاست که بحث و جدل فراوان در پاکستان در مورد اینکه آیا BLA به طور کامل توسط سیا، MI6 و موساد ربوده شده است یا خیر، در جریان است. در سفری که در سال 2006 به ایران داشتیم، از رفتن من به استان سیستان و بلوچستان در جنوب شرقی ایران ممانعت به عمل آمد، زیرا طبق نسخه تهران، سیا نفوذی از بلوچستان پاکستان در حملات مخفیانه و فرامرزی داشت. بر هیچ کس در منطقه پوشیده نبود که از 11 سپتامبر، آمریکا عملاً پایگاه‌های هوایی بلوچ‌ها در دالبندین و پنجگور را تحت کنترل داشت .

در اکتبر 2001، در حالی که در انتظار ورود به قندهار از کوئته بودم، مدتی را با تعدادی از همکاران و هواداران BLA گذراندم. آنها خود را «مترقی‌خواه، ملی‌گرا، ضد امپریالیست» توصیف کردند (و این امر باعث می‌شود که ایالات متحده همدستی آنها را دشوار کند). آنها به شدت از «شوونیسم پنجابی» انتقاد می‌کردند و همیشه اصرار داشتند که منابع منطقه ابتدا به بلوچ‌ها تعلق دارد. این دلیل آنها برای حمله به خطوط لوله گاز بود .

آنها با تأکید بر نرخ بی رحمانه و استانی با سواد تنها 16 درصد («سیاست دولت عقبماندن بلوچستان است»)، از این واقعیت که اکثر مردم هنوز آب آشامیدنی ندارند، ناراحت بودند. آنها مدعی حمایت حداقل 70 درصد از جمعیت بلوچ بودند (" هر وقت BLA موشکی شلیک می کند، بحث بازاریان است") آنها همچنین ادعای اتحاد و هماهنگی با بلوچ های ایرانی را داشتند. و آنها اصرار داشتند که "پاکستان بلوچستان را به کانتون ایالات متحده تبدیل کرده است که بر روابط بین مردم افغانستان و بلوچ تأثیر زیادی گذاشته است." دو دهه بعد، و پس از کل حماسه داعش در سوریه و عراق، داستان کاملاً متفاوت است. هواداران BLA ممکن است هنوز هم آماده باشند تا در یک کنفرانس یون پاکستان باقی بمانند، هرچند با خود مختاری بی نهایت بیشتر. اما اکنون به نظر می رسد که آنها مایلند از کمک امپراتوری غرب برای ضربه زدن نه تنها به دولت مرکزی اسلام آباد، بلکه به سودجوی خارجی "خارج نزدیک" (چین) استفاده کنند.

پس از بمب گذاری انتحاری کراچی، روایتی در برخی محافل پاکستانی مطرح شد مبنی بر اینکه **ایران و هند** برای بی ثبات کردن بلوچستان با هم دست و پنجه نرم می کنند. آن کاملاً بی معنی است. هر دو تهران و اسلام آباد از طریق چندین گره از جاده ابریشم جدید به **پکن** متصل هستند. **ایران** از تبا نی با **هند** برای بی ثبات کردن منطقه ای که با افغانستان هم مرز است، سودی کمتر از صفر خواهد برد، به ویژه زمانی که سازمان همکاری شانگهای به طور کامل درگیر الحاق کابل در روند ادغام اوراسیا باشد. علاوه بر این، IPI بهترین شانس خود را دارد تا در آینده نزدیک به ثمر بنشیند و بند ناف را از جنوب غرب آسیا به جنوب آسیا تثبیت کند.

در سال های پایانی دولت **باراک اوباما**، BLA، اگرچه هنوز یک گروه حاشیه ای با یک شاخه سیاسی و یک شاخه نظامی بود، اما در حال تجدید قوا و تسلیح بود، در حالی که **نواب رئیسانی**، وزیر ارشد بلوچستان، مظنون به داشتن یک دارایی سیا بود. دلیل قطعی نبود.

(قبلاً در آن زمان، ترس در اسلام آباد این بود که دولت چشم خود را از توپ بلوچستان برداشته است - و اینکه BLA در شرف استفاده مؤثر توسط ایالات متحده برای اهداف بالکانیزاسیون بود. به نظر می رسد این تصویر در حال حاضر است. با این حال، قلب موضوع - که با بمب گذاری انتحاری کراچی به وضوح بیان شد - این است که اسلام آباد همچنان در برابر نارضایتی های کلیدی بلوچ ها نفوذنا پذیر است: ما می خواهیم از ثروت طبیعی خود سود ببریم، و ما خواهان خودمختاری هستیم.

چند سطر در مورد نویسنده

پیپ اسکوبار، متولد برزیل، خبرنگار و سردبیر در آسیا تایمز و ستون نویس اخبار کنسرسیوم و فرهنگ استراتژیک در مسکو است. از اواسط دهه 1980 او به عنوان خبرنگار خارجی در لندن، پاریس، میلان، لس آنجلس، سنگاپور، بانکوک زندگی و کار کرده است. او به طور گسترده به پاکستان، افغانستان و آسیای مرکزی تا چین، ایران،

عراق و خاورمیانه گسترده‌تر پرداخته است. بپه نویسنده کتاب گلوبا لستان - چگونه جهان جهانی شده در حال فروپاشی در جنگ مایع است. بلوز منطقه قرمز: عکسی از بغداد در طول موج. او سردبیر امپراتوری و هلال و توتو در وندیتا در ایتالیا بود. دو کتاب آخر او امپراتوری آشوب و 2030 هستند. پپ همچنین با آکادمی اروپایی ژئوپلیتیک مستقر در پاریس مرتبط است. وقتی در جاده نیست بین پاریس و بانکوک زندگی می‌کند.

----- **با تقدیم احترامات «08-05-2022»**